

نشریه علمی مطالعات حقوق تطبیقی معاصر، سال دوازدهم، شماره بیست و دو، بهار ۱۴۰۰، صفحات ۱۱۷-۱۴۴

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۹/۱۲/۱۸

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۰/۲۰

منبع تعهد به ارزیابی آثار زیست محیطی فرامرزی در پروژه گاپ ترکیه

مهناز رشیدی^۱

آزاده رستگار^۲

علی مشهدی^۳

چکیده

کشور ترکیه به عنوان کشور بالادستی در حوضه رود دجله و فرات از سال ۱۹۳۶ طرحی به نام آناتولی جنوب شرقی (گاپ) را پایه ریزی کرد که در ضمن آن از سال ۱۹۷۷ احداث سد ها و نیروگاه های برق آبی متعددی را بر روی رودخانه دجله و فرات آغاز نمود. با توجه به اینکه اجرای این پروژه بر کشورهای اطراف یعنی عراق، سوریه و ایران آثار منفی زیست محیطی، اجتماعی و اقتصادی متعددی برجای گذاشته و خواهد گذاشت و به اعتقاد کارشناسان، کشور ترکیه فرایند ارزیابی آثار زیست محیطی این طرح را به درستی انجام نداده است، پرسش این است که آیا از دیدگاه حقوق بین الملل کشور ترکیه تعهدی الزام آور به ارزیابی آثار زیست محیطی دارد؟ نتایج حاصل از این نوشتار بر اساس تحلیل اسناد و رویه قضایی بین المللی مؤید آن است که امروزه تعهد به اجرای ارزیابی آثار زیست محیطی در پروژه هایی که پتانسیل ایجاد آسیب مهم فرامرزی دارند، به عنوان یک تعهد عرفی الزام آور شناخته شده و برای همه کشورهای لازم الرعایه است. به این ترتیب، کشور ترکیه نیز در احداث پروژه گاپ موظف به اجرای این تعهد بوده است که عدم رعایت آن برای این کشور مسئولیت بین المللی به دنبال خواهد داشت.

واژگان کلیدی: پروژه آناتولی جنوب شرقی، تعهد به ارزیابی آثار زیست محیطی فرامرزی، حقوق بین الملل عرفی، حقوق بین الملل محیط زیست.

۱. دکتري حقوق بين الملل دانشگاه قم، قم، ايران (نویسنده مسئول)

۲. کارشناسی ارشد حقوق بین الملل دانشگاه قم، قم، ایران

۳. دانشیار دانشگاه قم، قم، ایران

۱. دکتري حقوق بين الملل دانشگاه قم، قم، ايران (نویسنده مسئول)

۲. کارشناسی ارشد حقوق بین الملل دانشگاه قم، قم، ایران

۳. دانشیار دانشگاه قم، قم، ایران

mahnazrashid@jri.ac.ir

rastegarazade8059@gmail.com

droitenviro@gmail.com

مقدمه

منابع آب شیرین کمتر از ۳ درصد کل آب‌های موجود در جهان را تشکیل می‌دهد، درحالی که بخش عمده‌ای از همین میزان اندک آب، یا در قالب یخچال‌های قطبی و کوهستانی و یا در شکل آب‌های زیرزمینی موجود است و به‌سهولت در دسترس بشر قرار نمی‌گیرد.^۴ آب موجود در رودخانه‌ها و دریاچه‌های سطحی هم به صورت متوازن در جهان توزیع نشده‌اند. این عامل به همراه افزایش تقاضا برای آب موجب شده است دولت‌ها نهایت تلاش خود را برای بالابردن سهم خود از این ماده حیاتی به کار گیرند و با ایجاد سدهای عظیم سعی در ذخیره منابع آبی نمایند.

در این میان، غرب آسیا و به‌ویژه خاورمیانه ازجمله خشک‌ترین مناطق جهان محسوب شده و از گذشته تاکنون آب برای مردمان آن اهمیتی چشمگیر داشته است؛ به‌گونه‌ای که نخستین تمدن‌های این منطقه، اطراف رودها به‌خصوص در حوضه آبریز دجله و فرات تشکیل شده‌اند.^۵

در سال‌های اخیر، کشور ترکیه به‌عنوان کشور بالادستی در حوضه آبریز دجله و فرات، اقدام به طراحی و اجرای مجموعه‌ای از سدها و نیروگاه‌های برق‌آبی نموده که آثار منفی زیست‌محیطی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آن بر دیگر کشورهای این حوزه، یعنی عراق، سوریه و ایران از سوی صاحب‌نظران و کارشناسان ثابت شده است.^۶

از آنجا که بنابر مطالعات و گزارش‌های انجام‌شده، کشور ترکیه روند ارزیابی آثار

4. Michel, Dantin, "L'eau douce dans le monde. Comment gérer un bien commun? L'action de l'Europe", *Annales des Mines-Responsabilité et environnement*. N° 2 (86) (2017).

5. François. Gabelle, "Le monde manquera-t-il bientôt d'eau", *Science et changements planétaires/Sécheresse*, N° 6(1) (1995), p. 9-12.

6. Clus, Owen, "Condenseurs radiatifs de la vapeur d'eau atmosphérique (rosée) comme source alternative d'eau douce". Diss. (2007).

7. Elizabeth, Picard, "Les problèmes de l'eau au Moyen-Orient: désinformation, crise de gestion et instrumentalisation politique", *Maghreb, Machrek, Monde arabe*, N° 138 (1992), p. 10; Mohamed, al-Dbiyat et Michel Mouton (éd.), *Stratégies d'acquisition de l'eau et société au Moyen-Orient depuis l'Antiquité*. (Beyrouth: Presses de l'Ifpo, 2009), p. 3.

۸. نرگس، اکبری و علی، مشهدی، «تهدیدها و تعهدات زیست‌محیطی دولت ترکیه در اجرای پروژه گاپ نسبت به آثار سوء زیست‌محیطی در ایران»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، ش ۶۱ (۱۳۹۸)، صص ۳۱۶-۳۱۲ و ۲۱۹-۲۶۱.

زیست‌محیطی این پروژه را به‌درستی انجام نداده است، پرسش اصلی که این مقاله با به‌کارگیری روش توصیفی-تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای، اسناد و آرای بین‌المللی در جستجوی پاسخی مناسب برای آن به نگارش درآمده، آنست که درجه الزام‌آوری تعهد به ارزیابی آثار زیست‌محیطی نسبت به کشور ترکیه در احداث سدهای بزرگ بر روی دجله و فرات تا چه میزان است؟ فرضیه اصلی مقدماتی آن است که با توجه به تعهد بنیادین دولت‌ها به منع آسیب فرامرزی، اصل ارزیابی آثار زیست‌محیطی به‌عنوان پیش‌شرطی برای جلوگیری از آسیب زیست‌محیطی فرامرزی چنین طرح‌هایی، برای تمامی دولت‌ها از باب عرفی بودن منبع قاعده، الزام‌آور است. در راستای دستیابی به این هدف، نوشتار پیش رو، ضمن معرفی مهم‌ترین طرح سدسازی ترکیه (گاپ) و آثار منفی فرامرزی آن، جایگاه حقوقی تعهد به ارزیابی آثار زیست‌محیطی را در منابع گوناگون حقوق بین‌الملل بررسی می‌نماید و منبع الزام کشور ترکیه به آن را بیان می‌دارد.

۱. معرفی پروژه گاپ ترکیه

اولین تلاش مستند برای تنظیم عرضه آب از دجله و فرات از طریق سدها به ۵۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح بازمی‌گردد. جمعیت‌های اولیه در مرکز عراق، آب رودخانه را به‌وسیله سدهای سنگی به شکل مخازن سیستم‌های تغذیه کانال‌های آبیاری منحرف می‌کردند. در نتیجه، آنها کمتر به بارش باران و نوسانات جریان رودخانه برای افزایش محصولات زراعی وابسته بودند و همین امر باعث تکامل تمدن سومری در جنوب عراق شد.^۹

در طول ۵۰ سال گذشته کشورهای ساحلی به‌طور قابل‌توجهی بر حجم استفاده از آب دجله و فرات افزوده‌اند و همچنان به این کار ادامه می‌دهند: ترکیه با «پروژه آناتولی جنوب شرقی، (گاپ، در مخفف ترکی آن)»^{۱۰}، که شامل ۲۲ سد بزرگ است؛ سوریه با ۳ سد بزرگ

9. Damien, Bischoff et Jean-François Pérouse, "La question des barrages et du GAP dans le Sud-Est anatolien: patrimoines en danger?", Institut français d'études anatoliennes Georges Dumézil, (2003); Nicolas C, Bremer, "Transboundary Environmental Impact Assessment of Large Dams in the Euphrates-Tigris Region: An Analysis of International Law Binding Iran, Iraq, Syria and Turkey", RECIEL 25 (1) (2016), p. 2.

10. GüneyDoğu Anadolu- GAP

روی فرات، به‌ویژه سدّ طبقاً^{۱۱}، عراق با ۱۵ سدّ بزرگ روی دجله و فرات، و ایران با ساخت حدود ۱۴ سد، روند بهره‌برداری‌ها را ادامه می‌دهند. این تحولات سیستم رودخانه را به روش‌های گوناگون تحت تأثیر قرار داده است^{۱۲}. در این میان، ترکیه به‌عنوان اصلی‌ترین کشور بالادست که در اقلیم نیمه‌خشک قرار دارد و برخلاف تصور، منابع آبی غنی در اختیار ندارد، بر آن است که منابع آبی خود را یکپارچه نموده، به‌منظور بهره‌وری کامل، آنها را مدیریت کند. لذا در راستای تحقق این هدف، پروژه‌آاناتولی جنوب شرقی را طراحی و اجرا کرده است.

در ابتدا در دهه ۱۹۷۰، گاپ به‌عنوان ترکیبی از ۱۳ پروژه بر روی رودخانه‌های دجله و فرات با هدف اصلی توسعه منابع آبی و زمینی، آبیاری و برق‌آبی طراحی شد. در این مرحله، این پروژه با توجه به تمرکز فنی سنگین از سوی «اداره کل آب امور خارجه»^{۱۳} اداره می‌شد. تمرکز و دامنه گاپ در نیمه دوم دهه ۱۹۸۰، به‌ویژه پس از اینکه ابعاد اجتماعی، بشردوستانه و محیط‌زیستی توسعه به‌رسمیت شناخته شد و مورد توجه قرار گرفت، گسترش بیشتری یافت. پس از آن، مسئولیت مدیریت گاپ از اداره کل آب امور خارجه به «سازمان برنامه‌ریزی دولتی»^{۱۴} منتقل شد. در اواخر سال ۱۹۸۰ بود که «اداره توسعه منطقه‌ای گاپ»^{۱۵} تأسیس شد. هم‌اکنون این اداره علاوه بر وظیفه انجام فعالیت در زمینه‌های برنامه‌ریزی، زیربنایی، صدور مجوز، خانه‌سازی، صنعت، معدن، کشاورزی، انرژی و حمل و نقل، هماهنگی بین سازمان‌های دولتی درگیر در پروژه را هم تضمین می‌کند. در دهه ۱۹۹۰، مفاهیمی چون توسعه پایدار، مشارکت در توسعه، توسعه انسانی و توسعه اجتماعی به چارچوب کلی گاپ تزریق شد و به‌موجب آن، این پروژه به‌عنوان یک پروژه توسعه پایدار انسانی تعریف گردید. احداث پروژه گاپ در دهه ۲۰۰۰، به‌ویژه پس از اینکه ترکیه تلاش‌های خود را برای بازسازی اقتصادی - سیاسی، با نظر به پارادایم توسعه نئولیبرالی و تبدیل شدن به یک عضو کامل اتحادیه اروپا تشدید کرد، بار دیگر آغاز شد^{۱۶}. دولت و

11. Tabqa Dam

12. Nicolas C, Bremer, op. cit, p. 2.

13. Devlet Sulşleri Genel Müdürlüğü (DSI)

14. Devlet Planlama Teşkilatı, (DPT).

15. GAP Bölge Kalkınma İdaresi, (GAP-BKİ)

16. Damien, Bischoff et Jean-François Pérouse, op. cit, p. 4.

مقامات پروژه اهمیت بسیار زیادی برای ایده‌هایی مانند استفاده از پتانسیل‌های محلی، اولویت‌بندی سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی و ترویج رقابت در این دوره قائل بودند؛ به عبارت دیگر، گاپ طی بیش از چهار دهه، از پروژه عمده‌تأ فنی، دولتی و زیربنایی و توسعه اقتصادی به پروژه اجتماعی و تا حد زیادی بازاری‌سند و با رویکرد توسعه پایدار انسانی تبدیل شد.^{۱۷}

هم‌اکنون این پروژه شامل سدها و نیروگاه‌های برق‌آبی، شبکه‌های آبیاری، کشت و صنعت و دامپروری است. صرف نظر از چگونگی تعریف گاپ، آمار رسمی نشان می‌دهد که ۷۴ درصد از پروژه‌های انرژی و ۲۶.۴ درصد از پروژه‌های آبیاری تحت برنامه گاپ تا سال ۲۰۱۷ تکمیل شده است.^{۱۸} سد ایلیسو^{۱۹} با گنجایش ۴۳ میلیون و ۸۰۰ هزار متر مکعب، که در راستای این پروژه و از سال ۲۰۰۶ شروع شده و در ۲۰۱۹ به پایان رسیده، یکی از چالش‌برانگیزترین آنهاست.^{۲۰} پیش‌بینی‌ها حاکی از آن است که با افتتاح و بهره‌برداری از این سد در جولای ۲۰۱۹، تأثیرات زیست‌محیطی، اجتماعی و اقتصادی بی‌شماری برای کشورهای منطقه در پی خواهد داشت.^{۲۱}

۲. آثار اجرای پروژه گاپ

به اعتقاد بسیاری از کارشناسان و نهادهای رسمی و علمی، اجرای پروژه گاپ تأثیر مهمی در حوزه‌های زیست‌محیطی، سیاسی و اجتماعی برجای گذاشته و خواهد گذاشت که به برخی از مهم‌ترین آنها در این بخش اشاره می‌شود.

17. Marcel, Bazin, et Stéphane de Tapia, "Le Projet de l'Anatolie du Sud-Est (GAP) dans son contexte national turc et régional moyen-oriental", Bulletin de l'association de géographes français. Géographies, No. 92-2 (2015), pp. 184-207; Arda, Bilgen, "The Southeastern Anatolia Project (GAP) in Turkey: An Alternative Perspective on the major Rationales of GAP", Journal of Balkan and Near Eastern Studies, 21(5) (2019), p. 3.

18. Nicolas C, Bremer, *op. cit.*, p. 3.

19. Ilisu Dam

۲۰. فرید، سلطان قیس و حسین، عزیزاده، «احداث سد ایلیسو در ترکیه و مغایرت آن با تعهدات فرامرزی در قبال همسایگان وفق حقوق بین‌الملل»، علوم و فنون مرزی، ش ۸(۴) (۱۳۹۶)، ص ۱۸۲.

۲۱. سار، اردو، «ساخت سد ایلیسو در ترکیه در تضاد حقوق بین‌الملل»، دیپلماسی ایرانی، (۱۳۹۶):

<<http://irdiplomacy.ir/fa/news/1969520/>>

۲.۱. تأثیرات زیست‌محیطی

به‌طور کلی، عملیات سدسازی و آبرگیری تغییرات فیزیکی متعددی بر آبراه و حوضه آبریز آن تحمیل می‌کند. با ساخت سدها، سرعت جریان رودخانه وقتی به دیواره سد نزدیک می‌شود کم و مخزن ایجادشده در پشت سد به سیستم دریاچه‌ای تبدیل می‌گردد. این سیستم به واکنش‌های شیمیایی داخل مخزن^{۲۲} منجر شده، سبب تغییراتی در ویژگی‌های فیزیکی و شیمیایی آب و به تبع آن، آثار اکولوژیکی متعددی در رودخانه و زمین‌های اطراف^{۲۳} آن می‌شود.^{۲۴}

از جمله این آثار، تشکیل لایه‌های پایدار آب در مخزن سد است که پیامدهای مهمی بر کیفیت آب در قسمت‌های پایین دست دارد. زیرا آب ذخیره‌شده در بخش‌های عمیق مخزن پشت سد، سردتر و اغلب بدون اکسیژن است، به این دلیل که با تجزیه مواد ارگانیک، اکسیژن از سطح آب خارج می‌شود. این مسئله موجب می‌گردد در عرض‌های کم جغرافیایی که اختلاف فصلی کمتر است، اکوسیستم‌های آبرزی دمای آب بالاتری را تجربه کنند.^{۲۵} در همین راستا، آب کم‌اکسیژن لایه‌های عمیق مخزن پشت سد به سمت پایین دست رودخانه سرازیر شده، می‌تواند آسیب قابل توجهی به محیط زیست وارد آورد، زیرا میزان مناسب اکسیژن حل شده در آب، نه تنها برای حفاظت از حیات انواع آبزیان لازم است، بلکه برای حفظ روند تصفیه‌سازی رودخانه‌ها نیز ضروری می‌باشد.^{۲۶} یکی دیگر از عوامل تشدیدکننده^{۲۷} تأثیرات منفی اکولوژیکی، مخزن آب با میزان کم اکسیژن، غلظت زیاد ترکیباتی مانند سولفید هیدروژن و کاهش آهن است که ظرفیت پایین دست رودخانه برای مقابله با

22. Reservoir

23. Valeria Maria, Mazzucchi, "Le droit international des cours d'eau et les effets des grands barrages dans le Sud-Est anatolien. Le Tigre, l'Euphrate et le barrage Ilisu", Diss. University of Geneva, (2015).

24. Robert Scott, Winto; Elisa, Calamita, & Bernhard, Wehrli, "Reviews and Syntheses: Dams, Water Quality and Tropical Reservoir Stratification" Biogeosciences Discuss, (2019), p. 1659 <https://www.researchgate.net/publication/330092286_Reviews_and_syntheses_Dams_water_quality_and_tropical_reservoir_stratification/link/5c2cf442299bf12be3a847df/download>.

25. *Ibid*, p. 1659.

26. *Ibid*, p. 1660.

27. Stressor

آلاینده‌ها را محدود می‌کند.^{۲۸}

در اثر سدسازی‌های نامناسب در بالادست دجله و فرات از سوی کشور ترکیه، این میزان آب کم‌اکسیژن فاقد کیفیت به سرزمین کشورهای پایین دست وارد شده، در آنجا مورد انواع بهره‌برداری قرار می‌گیرد. ذکر این نکته نیز مفید است که ۹۰ درصد از منابع آبی فرات از ترکیه و ۱۰ درصد آن نیز از منابع آبی سوریه تأمین می‌شود. همچنین ۵۲ درصد آب رود دجله از منابع آب عراق و ۴۸ درصد آن از منابع آب ترکیه گرفته می‌شود. خطر آب‌های کم‌کیفیت در اثر احداث سدها زمانی بیشتر احساس می‌شود که بدانیم عراق، خود، کشوری نیمه‌خشک با آبی کم‌کیفیت است؛ چراکه آب دجله و فرات با عبور از بخش‌های زیاد سرزمینی با تراکم بالای جمعیت ساحلی، آلوده و شور می‌شود و به این ترتیب، آب کم‌کیفیت و شور به مزارع کشاورزی وارد شده، آنها را به شورزار تبدیل می‌کند. کارشناسان محیط زیست و دانشمندان ترکیه نیز این گزارش‌ها را تأیید کرده، خواهان پیشگیری از آلودگی آب‌های جاری در ترکیه و سایر کشورهای منطقه شده‌اند.^{۲۹}

افزون بر اثر مستقیم ساخت‌وساز سدها در ترکیه بر روی کیفیت آب‌ها در کشورهای پایین دست، در حال حاضر پروژه گاپ و به‌ویژه اجرا و بهره‌برداری از سد ایلیسو به علت تأثیرات منفی بر کل منطقه، خصوصاً از طریق ایجاد و تشدید طوفان گرد و غبار، نگرانی‌هایی را مطرح کرده است. از آنجا که رود دجله مستقیماً از ترکیه وارد عراق می‌شود و عراق را آبیاری می‌کند و سرانجام به تالاب هورالعظیم می‌رسد، پیش‌بینی‌ها حاکی از آنست که با بهره‌برداری از این سد که به‌تازگی آغاز شده است، از ورود ۵۶ درصد منابع آب دجله به خاک عراق جلوگیری می‌شود که در نتیجه باید منتظر مرگ قریب‌الوقوع تالاب هورالعظیم و یک فاجعه بزرگ زیست‌محیطی در ایران بود^{۳۰}؛ زیرا یکی از کارکردهای مهم این تالاب، جلوگیری از طوفان‌های گرد و غبار است. تالاب، رطوبت را بالا می‌برد و

28. *Ibid*, p. 1661.

۲۹. علی، قائم‌مقامی، «بحران آب و آب‌های جاری فرامرزی ترکیه و امنیت ملی و محیط‌زیست ایران»، فصلنامه مطالعات منافع ملی، سال دوم، ش ۷ (۱۳۹۶)، ص ۱۰۴.

۳۰. فرید، سلطان قیس و حسین، علیزاده، پیشین، ص ۱۸۲.

به‌عنوان چشمه‌گیرش گرد و غبار عمل می‌کند.^{۳۱} به‌علاوه، این اکوسیستم‌های آبی به دلیل ذخیره‌سازی آب برای کشاورزی، تغذیه چشمه‌ها و آب‌های زیرزمینی، اهمیت دارند و از دیدگاه بوم‌شناختی نیز به‌عنوان زیستگاه پرندگان و حیات وحش، حفاظت از تنوع زیستی، بانک ژن، ایجاد منظره‌های زیبا و فواید بسیار دیگر ارزش زیستی بالایی دارند. به همین دلیل با اجرای پروژه گاپ و افزایش نگرانی‌ها در باب ابعاد زیست‌محیطی آن، کشورهای سوریه، عراق و ترکیه در روابط خود با یکدیگر دچار تنش شده‌اند. ایران نیز از این تأثیرات در امان نبوده و گرد و غبار برخاسته از دشت‌های خشک کشورهای همسایه که اغلب همراه با وزش باد است به سمت ایران برده می‌شود.^{۳۲}

سدسازی‌های ترکیه همراه با تشدید روند تغییرات اقلیمی، تأثیرات بیشتری بر آینده رودهای دجله و فرات خواهد گذاشت. مدل‌های آب و هوایی نشان می‌دهد تا پایان قرن حاضر به احتمال زیاد شاهد افزایش ۳ تا ۴ درجه‌ای دمای هوا در حوضه آبریز این رودخانه خواهیم بود. این مسئله سرعت تبخیر را افزایش داده، ذخیره بخش عظیمی از آب‌ها در پشت دیواره سدها به این روند کمک خواهد کرد. در نتیجه، این موضوع می‌تواند موجب کاهش ۳۰ تا ۴۰ درصدی میزان بارش در حوزه رودخانه به‌ویژه در بخش مربوط به ترکیه شود؛ یعنی جایی که جریان رودخانه از آنجا سرچشمه می‌گیرد. همچنین افزایش تبخیر سطحی آب در طول زمان، موجب کاهش جریان رودخانه خواهد شد. مطالعات منطقه‌ای که از سوی بنیاد آب، یک سازمان تحقیقاتی غیرانتفاعی ترکیه، انجام شده است، برای دولت ترکیه بدینانه‌تر است. این تحقیقات نشان می‌دهد تا سال ۲۰۲۰ جریان آب در ترکیه نسبت به جریان معمول آن در طول سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۰ حدود ۱۵ تا ۲۰ درصد کاهش خواهد یافت. در حال حاضر نیز در ایستگاه‌های هواشناسی حوضه رودخانه فرات، افت شدید بارش

۳۱. محمدابراهیم، بنی حبیب؛ سجده، نجفی مرغملکی؛ محسن، محمدرضا پورطبری، «بررسی عوامل بروز گرد و غبار در غرب و جنوب کشور با تمرکز بر دلایل خشک شدن تالاب هورالعظیم و ارائه راهکارهایی برای احیای آن»، ششمین کنفرانس ملی مدیریت منابع آب ایران با رویکرد: پیوند اکولوژیکی با چرخه آب برای پایداری سرزمین، دانشگاه کردستان، (۱-۳ اردیبهشت ۱۳۹۵)، ص ۵.

32. Financial Tribune, "Imminent Danger of Turkish Dam for Iran, Iraq", 2019: <<https://financialtribune.com/articles/environment/76236/imminent-danger-of-turkish-dam-for-iran-iraq>>.

ثبت شده است. افزون بر این، مطالعات نشان می‌دهد در حال حاضر میزان جریان آب انشعابات رود فرات که از سوریه سرچشمه می‌گیرند، با کاهش ۸ درصدی در سال ۱۹۸۰، به میزان ۵ درصد در زمان کنونی مشارکت کمتری در تأمین آب این رودخانه در سرزمین‌های پایین‌دست دارند^{۳۳}. بنابراین، احداث سدهای عظیم در این منطقه نه تنها به حل مشکلات آبی کمکی نخواهد کرد، بلکه با توجه به اقلیم خشک این منطقه، کم‌آبی را در طولانی‌مدت تشدید می‌کند و مسائل زیست‌محیطی دیگری مثل طوفان گرد و غبار و کاهش تنوع زیستی را پدید می‌آورد.

۲.۲. تأثیرات سیاسی و اجتماعی سدسازی

از جمله اهداف اصلی در طراحی و اجرای پروژه گاپ، پیشگیری از مهاجرت مردم و ایجاد شرایط مناسب برای بازگشت بیش از سه میلیون مردم کوچ‌کرده به مناطق میانی و غرب کشور ترکیه، به شهرها و روستاهای خود در نظر گرفته شده است. همچنین توسعه اقتصادی - اجتماعی این مناطق از دیگر اهداف این پروژه تعریف شده است^{۳۴}. حال آنکه احداث این سدها بر روی سرچشمه‌های اصلی رود دجله و فرات و کاهش جریان آب سرازیر شده به سوی زمین‌های کشاورزی در پایین‌دست، نه تنها در دستیابی به هدف مدنظر مؤثر نبوده، بلکه این عامل به بیکاری کشاورزان، مهاجرت اجباری و مشکلات عدیده اجتماعی از جمله فقر، مهاجرت و افزایش میزان آمار جرم و جنایت منجر شده است. از آنجا که رودخانه‌های دجله و فرات در ترکیه، از مناطق جنوب شرقی که عمدتاً کردنشین هستند سرچشمه می‌گیرد و در این منطقه بیشترین تراکم سدسازی صورت گرفته است، همین امر موجب شده است صدها هزار انسان در نتیجه ساخت سد مجبور به جابه‌جایی شوند و در نتیجه آن، فقر و نیز مشکلات جدی روانی، فرهنگی و سیاسی افزایش یابد^{۳۵}.

33. Nouar, M. Shamout, & Glada Lahn, "The Euphrates in Crisis Channels of Cooperation for a Threatened River", Research Paper, Chatham House, (2015), p. 21: <<https://www.chathamhouse.org/2015/04/euphrates-crisis-channels-cooperation-threatened-river>>.

۳۴. علی، قائم‌مقامی، پیشین، ص ۱۰۷.

35. Ercan, Ayboga, "Policy and Impacts of Dams in the Euphrates and Tigris Basin", Paper for the Mesopotamia Water Forum Sulaymaniyah, Kurdistan Region of Iraq, (2019), p. 2.

وضعیت در کشور عراق بحرانی‌تر است. این کشور در معرض بحران شدید آب بوده، مشخصاً با کمبود شدید منابع آبی و پایین بودن سطح کیفیت آب توصیف می‌شود. مدیریت نامناسب آب، نادیده گرفتن و تخریب زیرساخت‌ها، شکست سیاست‌های آبی و ابزارسازی^{۳۶} و سلاح‌انگاری^{۳۷} آب در دهه‌های گذشته، بخش آب را تهدید کرده است^{۳۸}. در پایین‌دست بغداد، مرداب‌هایی^{۳۹} قرار دارند که از مناطق بسیار مهم کشاورزی کشور عراق محسوب می‌شوند. ساخت سد در کشور ترکیه و کم شدن جریان آب در کشور عراق به کاهش ریزش^{۴۰} آب به داخل مرداب‌ها منجر شده، باعث خشکی آنها می‌شود و در نتیجه، میزان نمک آب و خاک افزایش می‌یابد. همچنین کاهش جریان آب موجب نفوذ آب دریا شده که به شکل فزاینده‌ای در داخل کشور عراق تا ۴۵ مایل بالاتر از بصره در جزر و مد بالا می‌رود که تمامی این عوامل به تخریب آب و زمین کمک می‌کند^{۴۱}. در برخی مناطق میزان شوری آب به حدی زیاد است که امکان استفاده از آن برای کشاورزی وجود ندارد. در نتیجه، فعالیت‌های کشاورزی و تولیدات غذایی در دهه گذشته به‌ویژه در استان‌های بصره، دایقار^{۴۲} و میسان^{۴۳} کاهش یافته است. این مسئله موجب افزایش مهاجرت از این منطقه شده، به نحوی که در دهه‌های گذشته تقریباً ۹۰ درصد جمعیت، یعنی حداقل بیست هزار نفر که عمدتاً کشاورز بوده‌اند، آن منطقه را ترک کرده‌اند که این موضوع امنیت غذایی ساکنان این کشور را تهدید می‌کند^{۴۴}.

مهاجرت از منطقه، خود به‌تنهایی موجب تشدید تخریب زمین‌های رهاشده کشاورزی و تشدید طوفان‌های گرد و غبار^{۴۵} می‌شود؛ پدیده‌ای که اغلب جنوب عراق را در دهه گذشته مورد هدف قرار داده است.

36. Instrumentalization

37. Weaponization

38. Tobias, Lossow, "More than Infrastructures: Water Challenges in Iraq", Clingendael Policy Brief, (2018), p. 1, <https://www.clingendael.org/sites/default/files/2018-07/PB_PSI_water_challenges_Iraq> .

39. Marshes

40. Discharge

41. *Ibid*, p. 6.

42. DhiQar

43. Maysan

44. *Ibid*, p. 7.

45. Dust storms

افزایش روند تغییرات آب و هوایی که ساخت سدها به تشدید آن کمک می‌کند، احتمالاً موجب شدت و گستردگی خشکسالی‌ها، سیلاب‌ها و طوفان‌های سنگین در منطقه خواهد شد. هرچند شایسته نیست که رویدادهای منحصربه‌فرد را به تغییرات آب و هوایی نسبت دهیم، اما رویدادهای اخیر با الگوی موردنظر تطابق دارد. برای نمونه، خشکسالی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ موجب ویرانی و خرابی و از بین رفتن جمعیت کشاورزی در سوریه و جنوب عراق شده است. برآورد شده است تا سال ۲۰۰۹ بیش از ۸۰۰ هزار سوری معیشت خود را از دست داده و صدها هزار نفر به شهرها مهاجرت کرده‌اند. همچنین، تغییر شرایط آب و هوایی چالش‌ها و بلایای طبیعی را افزایش می‌دهد. در سال ۲۰۱۲، عراق متحمل سهمگین‌ترین سیلی شد که طی ۳۰ سال گذشته ثبت شده بود. در دسامبر ۲۰۱۳ دمشق نیز با طوفان برف^{۴۶} به حالت فلج درآمد. زمستان ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ هم با باران‌های سیل‌آسا برای ترکیه و سوریه همراه بود.^{۴۷}

در حوزه روابط سیاسی نیز ایجاد و بهره‌گیری از سدها از سوی دولت‌های بالادست یک حوضه آبریز می‌تواند تأثیرات منفی به‌همراه داشته باشد. زیرا ظرفیت بالای ذخیره مخزن سدها و امکان کنترل مقدار زیاد آب، به دولت‌ها اجازه می‌دهد با تغییر جریان آب و دسترسی به آن در مناطق پایین‌دست در یک دکترین ژئوپولتیک گسترده‌تر دخالت کنند. به این ترتیب، دولت ترکیه با ایجاد زیرساخت‌های عظیم آبی قادر به استفاده از آنها به‌عنوان ابزاری برای دستیابی به سلطه^{۴۸} سیاسی بر کشورهای پایین‌دست به‌ویژه سوریه و عراق است. این سیاست به شکل جدی درگیری‌های خاورمیانه را که هم‌اکنون پرمناقشه‌ترین منطقه جهان است شدت می‌بخشد.^{۴۹} برای مثال، در سال ۱۹۹۸، هنگامی که ترکیه، سوریه را با ادعای حمایت از تروریسم به جنگ تهدید کرد، به‌طور غیرمستقیم اعلام نمود جریان فرات را قطع می‌کند. تنها پس از آنکه عبدالله اوجالان، رهبر حزب کارگران کردستان، که هدایت

46. Snowstorms

47. Laurent, Mallet, "Le Projet du sud-est anatolien (GAP): conflits autour d'un projet de développement. Les conflits dans le monde", Armand Colin, Chapitre 16 (2011), p. 223; Nouar, M. Shamout, & Glada Lahn, *op. cit.*, p. 22.

۴۸. هژمونی

49. Ercan, Ayboga., *op. cit.*, p. 4.

شورشیان مسلح علیه دولت ترکیه در منطقه کردستان این کشور را برعهده داشت، سوریه را ترک کرد، توانست مانع این جنگ شود. از سال ۲۰۱۴ و به‌طور خاص از سال ۲۰۱۶، ترکیه به‌طور قابل توجهی جریان آب فرات را به سمت خودمختاری «فدراسیون دموکراتیک شمال سوریه» که کردها با همکاری اعراب آشوری و سایر گروه‌ها در سوریه آن را تشکیل دادند، قطع کرد. همین امر موجب کاهش قابل توجه تولیدات کشاورزی و تأمین برق شد. ابزار ساختن سدها به‌عنوان یک سلاح سیاسی - دولتی ترکیه، نه‌تنها کشورهای پایین‌دست را تحت تأثیر قرار می‌دهد که در سیاست‌های داخل مرزهای خود نیز اثرگذار است. چنان‌که در جنوب شرقی ترکیه این سدسازی‌ها به‌عنوان ابزار کنترل و جابه‌جایی جمعیت گرد از مناطق روستایی و وسیله‌ای برای محدود کردن تحرک چریک‌های حزب کارگران کردستان مورد استفاده قرار گرفت.^{۵۰} نقش ضد شورش سدها در سال ۲۰۰۸، هنگامی که ترکیه با ساختن ۱۱ سد در امتداد مرز عراق با هدف رسمی «امنیت مرزی» شروع به کار کرد، واضح بود که این یک سیاست جهانی منحصربه‌فرد است که نشان می‌دهد چگونه سدها به موضوع مهندسی ساخت و ساز و همچنین مهندسی اجتماعی - جمعیت‌شناسی تبدیل شده‌اند.^{۵۱}

۳. تعهد به ارزیابی آثار زیست‌محیطی در حقوق بین‌الملل

ارزیابی آثار زیست‌محیطی فرایندی جامع است که هدف نهایی آن ارتقای توسعه پایدار می‌باشد. اجرای این اصل، بخشی از کار تصمیم‌گیری برای ایجاد پروژه‌هایی چون سدها، شاهراه‌ها و دیگر سازه‌های مهم در سراسر جهان است که با هدف شناسایی آثار آن پروژه‌ها بر سلامت انسانی، محیط زیست و رفاه مردم انجام می‌شوند و می‌توانند بر روند تصمیم‌گیری‌ها تأثیرگذار باشند.^{۵۲}

برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد (یونپ)^{۵۳}، ارزیابی آثار زیست‌محیطی را به‌عنوان

۵۰. حجت، میان‌آبادی، «ملاحظات سیاسی و امنیتی و حقوقی در مدیریت رودخانه‌های فرامرزی»، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ش ۹۱ (۱۳۹۲)، صص ۲۱۲-۲۱۳.

51. Ercan, Ayboga, *op. cit.*, p. 5.

52. Annalisa, Savaresi, "Environmental Impact Assessment after the International Court of Justice decision in Costa Rica-Nicaragua and Nicaragua-Costa Rica: Looking backward, looking forward", QIL, Zoom-in 42 (2017), p. 1.

53. United Nations Environment Programme (UNEP)

«برآورد، تجزیه و ارزیابی فعالیت‌های برنامه‌ریزی شده با رویکرد تضمین دقت زیست‌محیطی و توسعه پایدار تعریف کرده است»^{۵۴}. امروزه در قوانین بیش از صد کشور بر لزوم انجام ارزیابی آثار زیست‌محیطی تأکید شده است.^{۵۵}

شایسته ذکر است که هر فعالیتی نیازمند ارزیابی آثار زیست‌محیطی نیست، بلکه انجام آن در مواردی ضروری است که پیش‌بینی می‌شود فعالیت سطح معینی از آسیب را به‌همراه داشته باشد. فرمول غالب آن است که ارزیابی آثار زیست‌محیطی در مواردی لازم است که میزان، ماهیت یا محل فعالیت پیشنهادی به‌گونه‌ای باشد که احتمالاً تأثیرات مهم زیست‌محیطی را به‌همراه خواهد داشت.^{۵۶}

اگرچه ریشه این تعهد برخاسته از حقوق داخلی کشور امریکاست، اما این اصل امروزه در حقوق بین‌الملل نیز مطرح شده است. هرچند هیچ عهدنامه عام بین‌المللی به‌طور خاص به این موضوع نپرداخته، اما اعلامیه‌ها و پیشنهادهای صادره از سازمان‌های بین‌المللی مربوط، مثل سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، سازمان غذا و کشاورزی و برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد به انجام آن قبل از شروع پروژه‌هایی که ممکن است بر محیط زیست اثرگذار باشند، توجه کرده‌اند. چنان‌که یونپ در سال ۱۹۸۷ «اهداف و اصول ارزیابی آثار زیست‌محیطی»^{۵۷} را که در واقع یک سند نرم بود منتشر کرد. این سند مشتمل بر مجموعه اصول راهنما با هدف بیان چگونگی جزئیاتی است که از طریق آن، ارزیابی آثار زیست‌محیطی باید از سوی دولت‌ها انجام شود. همچنین برخی اسناد جهانی و منطقه‌ای به این موضوع اشاره کرده‌اند. برای مثال، اصل ۱۷ اعلامیه ۱۹۹۲ ریو از اسناد مهمی است که در تأیید این رویه نقش داشته است. این اصل بیان می‌کند: «ارزیابی آثار زیست‌محیطی به‌عنوان یک ابزار ملی برای فعالیت‌هایی که پیش‌بینی می‌شود اثر منفی قابل‌توجهی بر محیط زیست دارند باید انجام شود و انجام آن منوط به تصمیم مقامات ملی صلاحیت‌دار

54. UNEP, "UNEP Goals and Principles of Environmental Impact Assessment", (1987), p. 1.

55. Alexander, Gillespie, "Environmental Impact Assessments in International Law", RECIEL, 17 (2) (2008), p. 220.

۵۶. اسماء، سالاری، «ارزیابی اثرات زیست‌محیطی فرامرزی در حقوق بین‌الملل»، مطالعات حقوق عمومی، ش ۵۰ (۴) (۱۳۹۹)، ص ۱۳۳۴.

57. UNEP, Goals and Principles of Environmental Impact Assessment, (1987).

است»^{۵۸}. دستور کار ۲۱ نیز دولت‌ها را به سوی تضمین اینکه تصمیمات مربوطه باید منوط به ارزیابی آثار زیست‌محیطی باشند و هزینه‌های پیامدهای زیست‌محیطی باید مورد توجه قرار گیرد، فرا می‌خواند.^{۵۹} یکی دیگر از اسناد مهمی که به موضوع ارزیابی آثار زیست‌محیطی به‌عنوان یک تعهد اشاره کرده «طرح پیش‌نویس کنوانسیون پیشگیری از خسارت فرامرزی ناشی از فعالیت‌های خطرناک (منع‌نشده)»^{۶۰} مورخ ۲۰۰۱ از سوی کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد است. ماده ۷ این طرح تأکید می‌کند که هرگونه تصمیم برای مجوز فعالیت با ریسک خسارت مهم فرامرزی باید مبتنی بر ارزیابی خسارت فرامرزی احتمالی ناشی از آن فعالیت باشد که شامل ارزیابی آثار زیست‌محیطی می‌شود. ماده ۸ نیز به ضرورت اخطار و اطلاع‌رسانی نتایج ارزیابی آثار زیست‌محیطی از سوی دولت محل فعالیت^{۶۱} به دولت متأثر اشاره کرده و تأکید می‌کند در صورتی که دولت متأثر ظرف شش ماه پاسخی ارسال نمود، دولت محل فعالیت نباید مجوز صادر کند.^{۶۲}

بیان بهتر و قوی‌تر این اصل با پذیرش کنوانسیون «ارزیابی آثار زیست‌محیطی در بُعد فرامرزی» در سال ۱۹۹۱ در شهر اسپوی کشور فنلاند اعلام شد^{۶۳} که در چارچوب کمیسیون اقتصادی سازمان ملل برای اروپا طراحی و در سال ۱۹۹۷ لازم‌الاجرا گردید و سپس با پذیرش پروتکل ۲۰۰۳ در خصوص ارزیابی آثار زیست‌محیطی استراتژیک کامل شد.^{۶۴} این کنوانسیون ناظر بر تدابیری است که اقدام پیشنهادی یک دولت محتمل است آسیب زیست‌محیطی فرامرزی به دولتی دیگر وارد آورد. هدف این کنوانسیون مدیریت چنین وضعیت‌هایی از طریق برقراری همکاری میان دولت‌هاست. اعمال ارزیابی آثار زیست‌محیطی در فعالیت‌های تحت شمول این سند باید غیرتبعیض‌آمیز بوده، دولت‌ها

58. Rio Declaration on Environment and Development, (1992), principle 17.

59. Elisa, Ruozzi, "The Obligation to Undertake an Environmental Assessment in the Jurisprudence of the ICJ: A Principle in Search for Autonomy", *European Journal of Risk Regulation*, 8 (2017), p. 159.

60. ILC, Draft articles on Prevention of Transboundary Harm from Hazardous Activities, (2001).

61. State of origin

62. ILC, Draft articles on Prevention of Transboundary Harm from Hazardous Activities, (2001), Arts 7,8.

63. Convention on Environmental Impact Assessment in a Transboundary Context, (1991).

64. UNECE Protocol on Strategic Environmental Assessment to the Convention on Environmental Impact Assessment in a Transboundary Context, (2003).

می‌بایست شیوه‌ای از آیین‌های ارزیابی آثار زیست‌محیطی در سطح ملی داشته باشند که اجازه ورود به بازیگران خارجی را بدهد.^{۶۵} این کنوانسیون با اصلاحیه سال ۲۰۰۴ که در سال ۲۰۱۷ لازم‌الاجرا گردید، پذیرای سایر کشورهای غیرعضو در اتحادیه اروپا شده است. یکی از مهم‌ترین نقدهای وارد بر این سند آن است که مقررات آن بر پروژه‌هایی اعمال می‌شود که انجام آنها منوط به صدور مجوز از سوی مقامات ذی‌صلاح دولتی باشد. درحالی که اهمیت حفظ محیط زیست ایجاب می‌کند ارزیابی آثار زیست‌محیطی در مورد تمامی طرح‌هایی که ممکن است آثار زیست‌محیطی فرامرزی داشته باشند، اعمال شود. گذشته از این، کنوانسیون‌های متعدد زیست‌محیطی هم به چنین تعهدی توجه کرده‌اند؛ از جمله مواد ۷ (ج) و ۱۴ کنوانسیون تنوع زیستی، ماده ۸ پروتکل حمایت زیست‌محیطی الحاقی به معاهده قطب جنوب و نیز ماده ۴ کنوانسیون چارچوب تغییرات آب و هوایی^{۶۶} ۱۹۹۲.

نمونه‌هایی از تجلی این اصل در حقوق بین‌الملل آب‌های فرامرزی را می‌توان در کنوانسیون اروپایی هلسینکی و توافقنامه آسه‌ان ۱۹۸۵ مشاهده کرد.^{۶۷} کنوانسیون آبراه‌های سازمان ملل (۱۹۹۷) به‌صراحت به این اصل اشاره‌ای نمی‌کند، ولی این‌طور استدلال شده است که ارزیابی آثار زیست‌محیطی می‌تواند به‌طور ضمنی بخشی از دیگر وظایف شکلی، مثل تعهد به اطلاع‌رسانی، قلمداد شود.^{۶۸} همچنین ماده ۱۲ این کنوانسیون تنها ماده‌ای است که از اصطلاح ارزیابی آثار زیست‌محیطی استفاده کرده است. شایان ذکر است قواعد برلین نیز بخشی را به این موضوع اختصاص داده است.^{۶۹}

۶۵ اسما، سالاری، پیشین، ص ۱۳۳۷.

66. Protocol on Environmental Protection to the Antarctic Treaty, (1991), Art. 8; Convention on Biological Diversity, (1992), pp. Arts. 7,14; United Nations Framework Convention on Climate Change, (1992), Art. 4(1)(f).

67. Convention on the Protection and Use of Transboundary Watercourses and International Lakes, (1992), Art. 3(1)(h); ASEAN Agreement on the Conservation of Nature and Natural Resources, (1985), Art. 14.

68. Phoebe N., Okowa, "Procedural Obligations in International Environmental Agreements", British Yearbook of International Law, 67(1) (1996), p. 279.

69. Convention on the Law of Non- Navigational Uses of International Watercourses (UN Watercourses Convention), (1997), Art. 12.

۴. امکان‌سنجی تعهد دولت ترکیه به انجام ارزیابی آثار زیست‌محیطی

به‌منظور ارزیابی درجه الزام دولت ترکیه نسبت به تعهد به ارزیابی آثار زیست‌محیطی، لازم است منابع گوناگون حقوق بین‌الملل را که تعهدات حقوقی الزام‌آوری بر این دولت تحمیل می‌کنند، بررسی نماییم.

۴.۱. تعهدات معاهده‌ای

چنان‌که گفته شد، مهم‌ترین سندی که ارزیابی آثار زیست‌محیطی را به‌طور خاص طرح کرده، کنوانسیون ارزیابی آثار زیست‌محیطی فرامرزی ۱۹۹۱، موسوم به کنوانسیون اسپو^{۷۰} است. از آنجا که تعهدات این کنوانسیون تنها برای دولت‌های عضو آن الزام‌آور است و کشور ترکیه همچنان به این سند نیبسته است، تعهدی به رعایت مقررات آن ندارد. کنوانسیون آبراه‌های سازمان ملل نیز هرچند فاقد مقرره‌ای صریح در باب ارزیابی آثار زیست‌محیطی است، اما به‌طور کلی از سوی دولت ترکیه پذیرفته نشده است.

در حوضه رود دجله و فرات نیز اساساً هیچ توافق جامعی مابین دولت‌ها در خصوص مدیریت منابع آبی وجود ندارد و تنها برخی موافقت‌نامه‌ها و یا تفاهم‌نامه‌های دوجانبه در خصوص مسئله آب و یافتن زمینه مشترک صورت گرفته است.

در معاهدات تاریخی در سال ۱۹۲۰، اولین معاهده‌ای که به‌طور کامل به رودخانه دجله و فرات پرداخته بود، میان فرانسه (به‌عنوان قییم سوریه) و انگلستان (به‌عنوان قییم عراق) منعقد شد که فاقد مقرره‌ای در زمینه ارزیابی آثار زیست‌محیطی بوده است. اما در سال‌های بعد در ضمن پروتکل ضمیمه به پیمان مودت و حسن همجواری ۱۹۴۶ میان ترکیه و عراق^{۷۱}، هر دو کشور بر تبادل اطلاعات مربوطه و مشاوره توافق کردند^{۷۲} که می‌تواند به‌طور ضمنی تبادل اطلاعات زیست‌محیطی را دربر گیرد.

از دهه ۱۹۸۰ بود که توافقنامه‌های دوجانبه منعقدشده میان کشورهای عضو در زمینه

70. Convention on Environmental Impact Assessment in a Transboundary Context (Espoo, 1991).

71. Treaty of Friendship and Good Neighborly Relations between Turkey and Iraq, (1946).

72. UN-ESCWA, "Inventory of Shared Water Resources in Western Asia", Chapter 1: Euphrates River Basin, (2013), p. 70.

مدیریت منابع آبی اهمیت بیشتری پیدا کرد. در سال ۱۹۸۷، سوریه و ترکیه در زمینه همکاری اقتصادی پروتکلی امضا کردند که در آن ترکیه توافق نمود حداقل میانگین جریان ۵۰۰ متر مکعب بر ثانیه آب را در مرز سوریه آزاد کند. در توافقنامه دوم منعقد شده در سال ۱۹۹۰، سوریه و عراق توافق کردند ۴۲ درصد از میزان آب اندازه‌گیری شده در مرز سوریه و ترکیه به سوریه و ۵۸ درصد باقیمانده به عراق اختصاص داده شود.^{۷۳}

شایان ذکر است که مذاکرات چندجانبه میان تمامی اعضا، معمولاً به دلیل مخالفت‌های ترکیه و ادعای آن کشور بر حاکمیت مطلق بر منابع آبی خود به توافق منجر نمی‌شود و این کشور فقط به موافقت‌نامه‌های دوجانبه همچون موافقت‌نامه ۱۹۸۷ بین سوریه و ترکیه که اجازه می‌دهد در هر ثانیه ۵۰۰ متر مکعب آب از مرز عبور کند، پایبند است. از سال ۱۹۹۷ تاکنون هیچ مکانیسم حقوقی الزام‌آور بین‌المللی از جانب ترکیه به امضا نرسیده است. این توافقنامه‌های دوجانبه موجود نیز عمدتاً فاقد مقرره‌ای در خصوص لزوم انجام تعهد به ارزیابی آثار زیست‌محیطی هستند. با وجود این، برخی کنوانسیون‌های زیست‌محیطی مرتبط می‌تواند تعهد کشور ترکیه به انجام ارزیابی آثار زیست‌محیطی پروژه‌هایی که ممکن است اثر منفی زیست‌محیطی قابل‌توجهی به دنبال داشته باشند، تضمین کند؛ از جمله این معاهدات، کنوانسیون تنوع زیستی ۱۹۹۲ است که در ماده ۱۴ به در نظر گرفتن روش‌های مناسب ارزیابی تأثیرات زیست‌محیطی پروژه‌های دارای آثار زیان‌بار تأکید می‌کند. بنابراین، با در نظر داشتن این موضوع که احداث سدهای بزرگ، از جمله سدهای پروژه گاپ، می‌تواند بر تنوع زیستی حوضه رود دجله و فرات تأثیر منفی داشته باشد، کشور ترکیه مکلف به انجام ارزیابی آثار زیست‌محیطی این پروژه پیش از آغاز آن بوده است.

۲.۴. تعهدات عرفی

عرف بین‌المللی از تکرار رویه مستمر میان دولت‌ها به همراه اعتقاد به الزام‌آوری حقوقی ایجاد می‌شود و پس از شکل‌گیری عرف، این تعهد برای همه دولت‌ها الزام‌آور است؛ مگر دولت‌هایی که از ابتدای شکل‌گیری آن، به صورت صریح و مستمر به آن اعتراض کرده باشند.

شناسایی عناصر مادی و معنوی عرف معمولاً از طریق قوانین داخلی کشورها و بیان دیدگاه‌های آنها در مجامع بین‌المللی و یا طرز اقدام عملی آنها صورت می‌گیرد؛ هرچند برای تشکیل عنصر مادی، مشارکت همه دولت‌ها لازم نیست. بر اساس مطالعات صورت‌گرفته، امروزه تعهد به ارزیابی آثار زیست‌محیطی فعالیت‌هایی که پیامدهای زیان‌بار مهمی به دنبال دارند، در قوانین حدود ۱۸۳ کشور پذیرفته شده است.^{۷۴} کشورهای ترکیه، عراق، ایران و سوریه نیز در قوانین زیست‌محیطی خود، تعهد به ارزیابی آثار زیست‌محیطی را مورد شناسایی و پذیرش قرار داده‌اند. البته قوانین این کشورها، به‌جز سوریه، به‌صراحت به لزوم انجام ارزیابی تأثیرات زیست‌محیطی در فعالیت‌هایی که آثار فرامرزی دارند، اشاره‌ای نمی‌کند. سکوت قوانین این دولت‌ها در این مورد، نمی‌تواند دلیلی بر اعتراض مستمر این کشورها به این تعهد باشد؛ حتی کشورهای ایران و عراق در اظهارات شفاهی خود علاقه‌مندی خود نسبت به پیوستن به کنوانسیون اسپو را بیان داشته‌اند. اما امروزه، نهادهای قضایی بین‌المللی، به‌ویژه دیوان بین‌المللی دادگستری، بهترین مرجعی است که به شناسایی قواعد عرفی بین‌المللی اقدام می‌کند. نقش رویه قضایی بین‌المللی در تفسیر قواعد موجود و نیز اعلام عرفی شدن قواعد، موجب شده است که ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری به‌عنوان منبعی فرعی برای حقوق بین‌الملل شناخته شود؛ به این معنی که این مرجع قضایی به صورت مستقیم به قاعده‌سازی اقدام نمی‌کند، بلکه صرفاً وظیفه آن شناسایی قواعد موجود و رفع ابهامات آن قواعد در جهت سهولت رفع اختلافات میان دولت‌ها است.

با توجه به ابهاماتی که در باب ماهیت و محتوای اصل ارزیابی آثار زیست‌محیطی در عرصه حقوق بین‌الملل وجود داشت، رویه قضایی دیوان بین‌المللی دادگستری در برخی آرا به این مفهوم پرداخته است. نخستین بار در قضیه آزمایش‌های هسته‌ای دوم نیوزیلند علیه فرانسه بود که این بحث شناسایی شد^{۷۵} و نیوزیلند در بیانیه شفاهی‌اش تعهد فرانسه به اجرای ارزیابی آثار زیست‌محیطی را قبل از هر پروژه مهمی که اثر منفی بر محیط زیست

74. Tesming, Yang, "The Emergence of the Environmental Impact Assessment Duty as a Global Legal Norm and General Principle of Law", *Hastings Law Journal*, 75, (525) (2019), p. 545.

75. ICJ, *The Situation in Accordance with Paragraph 63 of the Court's Judgment of 20 December 1974 in the Nuclear Tests*, (1995).

دریابی داشته باشد نه فقط بر مبنای معاهده^{۷۶}، بلکه بر مبنای عرف بین‌المللی مطرح کرد^{۷۷}. اما به دلیل عدم ورود دیوان به ماهیت دعوا، این نهاد نتوانست به این موضوع بپردازد^{۷۸}. به همین دلیل، اولین بار دیوان در قضیه کارخانه‌های خمیر کاغذ در سال ۲۰۱۰ میلادی این مسئله را مد نظر قرار داد^{۷۹}. در آن قضیه تعهد به اجرای ارزیابی آثار زیست‌محیطی از سوی آرژانتین مورد استناد قرار گرفت که ادعا می‌کرد مقامات اروگوئه‌ای مجوز ساخت کارخانه‌های خمیر کاغذ را بدون انجام ارزیابی آثار زیست‌محیطی کافی در مجاورت رود اروگوئه صادر کرده بودند^{۸۰}. دیوان در این قضیه این تعهد را به‌عنوان یک رویه که در سال‌های اخیر از سوی دولت‌ها پذیرفته شده است، به‌نحوی که می‌تواند به‌عنوان یک قاعده حقوق بین‌الملل عام باشد، به رسمیت شناخت^{۸۱}. دیوان در قضیه میان کشورهای کاستاریکا و نیکاراگوئه و در ضمن رأی صادره در سال ۲۰۱۵ نیز به بحث ارزیابی آثار زیست‌محیطی ورود کرد و سعی در رفع خالاهای رأی ۲۰۱۰ خود در قضیه کارخانه‌های خمیر کاغذ داشت. در این دعوا، طرفین اعلام کردند که عدم پیروی از این تعهد به نقض حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، حقوق بین‌الملل عام و تعهدات کنوانسیون تنوع زیستی ۱۹۹۲ منجر شده است. دیوان پس از بررسی نهایی به این نتیجه رسید که تنها در مورد ساخت جاده، کاستاریکا با توجه به ماهیت و حجم پروژه و مکان ایجاد آن، متعهد به ارزیابی آثار زیست‌محیطی بوده و چون شواهد حاکی از آن است که این اقدام صورت نگرفته، کاستاریکا تنها طبق حقوق بین‌الملل عام- و نه دیگر کنوانسیون‌های مورد استناد- مرتکب نقض قاعده حقوق بین‌الملل عام شده است^{۸۲}. اگرچه اصطلاح «حقوق بین‌الملل عام»^{۸۳} در رأی سال ۲۰۱۵ دیوان دارای ابهام بوده و ترکیبی است که می‌توان هر دو مفهوم حقوق

76. Convention for the Protection of the Natural Resources and Environment of the South Pacific Region, Noumea, 24 October 1986.

77. ICJ, *op. cit.*, p. 35.

78. *Ibid.*, p. 63.

79. ICJ, Pulp Mills on the River Uruguay (Argentina/Uruguay), Judgment, (2010), paras. 203-219.

80. *Ibid.*, paras. 22-118.

81. *Ibid.*, para. 204.

82. ICJ, Construction of a Road in Costa Rica along the San Juan River (Nicaragua v. Costa Rica); Certain Activities Carried Out by Nicaraguain the Border Area (Costa Rica v. Nicaragua), Judgment, (2015), paras. 155-156.

83. General international law

بین‌الملل عرفی یا اصول کلی حقوقی را از آن مستفاد نمود، اما این امر بسیار پذیرفته شده که منظور دیوان از حقوق بین‌الملل عام، حقوق بین‌الملل عرفی است.^{۸۴} همچنین پذیرش گسترده این اصل در رویه دولت‌ها و آرای دیگر محاکم بین‌المللی مانند دیوان بین‌المللی حقوق دریاهای و دیوان دائمی داوری^{۸۵} در کنار آرای دیوان بین‌المللی دادگستری حاکی از آن است که انجام ارزیابی آثار زیست‌محیطی طرح‌های دارای پیامدهای فرامرزی زیست‌محیطی، امروزه به‌عنوان یک قاعده عرفی بین‌المللی شناسایی می‌شود و برای همه دولت‌ها از جمله دولت ترکیه الزام‌آور است.

۳.۴. اصول کلی حقوقی

اصول کلی حقوقی به رسمیت شناخته شده از سوی ملل متحد یکی دیگر از منابع موجود قواعد حقوقی است که در ماده ۳۸ اساسنامه دیوان به آن اشاره شده است. اصول، ابزارهای انعطاف‌پذیری هستند که می‌توانند متناسب با موقعیت‌های خاص مورد استفاده قرار بگیرند و تعدیل شوند و خود از تعهداتی جزئی‌تر تشکیل شده‌اند. بنابر اعتقاد برخی از نویسندگان، از آنجا که ارزیابی آثار زیست‌محیطی مورد پذیرش اکثر نظام‌های حقوقی ملی قرار گرفته است و نیز در جامعه بین‌المللی ضرورت آن احساس می‌شود و تعهداتی جزئی مانند تعهد به غربالگری، ارزیابی تأثیرات، ارائه گزارش، بازبینی و مشارکت عموم، تصمیم‌گیری نهایی و نظارت و پیگیری مستمر را دربر می‌گیرد، امروزه این مسئله نیز در زمره یکی از اصول کلی حقوقی قرار گرفته است.^{۸۶}

افزون بر این، می‌توان با رویکردی محتاطانه‌تر، انجام تعهد به ارزیابی آثار زیست‌محیطی را بخشی از تکالیف و تعهدات اجرای اصول کلی حقوقی شناسایی شده، مانند اصل احتیاط،

84. J. Bendel, and J. Harrison, "Determining the Legal Nature and Content of EIAs in International Environmental Law: What Does the ICJ Decision in the Joined Costa Rica v Nicaragua/Nicaragua v Costa Rica Cases Tell Us?", *Questions of International Law*, 42 (2017), p. 15.

85. See: Advisory Opinion on Responsibilities and Obligations of States Sponsoring Persons and Entities with Respect to Activities in the Area, ITLOS Case No. 17 ('Sponsoring States Advisory Opinion'), 2011, para. 145; PCA, Case Concerning the South China dispute between Philippine and China, 2016, para. 948.

86. Tesming, Yang, *op. cit.*, pp. 558-562.

اصل پیشگیری و اصل تعهد به تلاش معقول، دانست. به این معنا که دولت‌ها برای انجام صحیح این اصول لازم است ابتدا از آثار منفی اقدام طراحی‌شده خود بر محیط زیست آگاه باشند تا بتوانند تدابیر احتیاطی و پیشگیرانه خود را به کار برده، نهایت تلاش خود را برای حفظ محیط زیست و حرکت در مسیر توسعه پایدار به کار گیرند. لذا در مورد پروژه گاپ هم ترکیه به دلیل متعهد بودن به اجرای این اصول کلی حقوقی زیست‌محیطی، لازم بود قبل از اجرای پروژه، تعهد خود به ارزیابی آثار زیست‌محیطی را به‌طور کامل و صحیح انجام می‌داد؛ در صورتی که فرایند ارزیابی زیست‌محیطی آن صورت نگرفته باشد، این کشور از نظر بین‌المللی برای عدم انجام تعهدات خود مسئولیت بین‌المللی خواهد داشت.

۵. راهکار پیشنهادی

با توجه به اینکه در برخی معاهدات میان کشورهای حوضه دجله و فرات که در آن تعهد به اجرای ارزیابی آثار زیست‌محیطی مقرر شده است، روش‌های حل و فصل اختلاف، از جمله رجوع به دیوان بین‌المللی دادگستری یا توسل به دیوان داور، مورد پذیرش قرار گرفته است که می‌توان از ظرفیت آن اسناد برای طرح دعوا علیه کشور ترکیه و ارزیابی وضعیت قانونی احداث این سدها استفاده کرد، اما معمولاً در رویه بین‌المللی، دولت‌ها سعی دارند نخست از راه‌های سیاسی به حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی اقدام نمایند. به همین منظور پیشنهاد می‌شود نهادهای ذی‌ربط در جمهوری اسلامی ایران و سایر کشورهای حوضه دجله و فرات با استفاده از روش‌های دیپلماتیک، کشور ترکیه را به انجام مذاکره و پذیرش یک موافقت‌نامه جامع در خصوص مدیریت منابع آبی دجله و فرات متقاعد نموده، در ضمن آن، تعهد به ارزیابی آثار زیست‌محیطی مستمر نسبت به پروژه‌های قبلی و ارزیابی آثار زیست‌محیطی دقیق پیش از ایجاد پروژه‌های جدید و ارائه گزارش کامل آن به کشورهای مستقر در حوضه آبریز دجله و فرات پیش‌بینی شود. به نظر می‌رسد استفاده از میانجی‌گری یک نهاد بین‌المللی مانند بانک جهانی و یا یک دولت تأثیرگذار بهتر می‌تواند رسیدن به این هدف را نزدیک سازد. اگرچه استفاده از روش‌های سیاسی، مانند ارجاع امر به شورای امنیت، به‌عنوان یک مسئله تهدیدکننده صلح و امنیت بین‌المللی نیز امکان‌پذیر است، اما نوع روابط میان دولت‌های حوضه دجله و فرات و ویژگی بالادستی ترکیه در آن

باعث می‌شود توسل به این روش وضعیت را دشوارتر نماید. بنابراین، لازم است در گام اول، دولت‌های پایین دست در یک بیانیه رسمی مشترک، مراتب اعتراض جدی خود را به مقامات ترکیه‌ای اعلام دارند و خواهان دستیابی به یک راه‌حل دوستانه شوند، زیرا سکوت در برابر اقدامات ترکیه نسبت به موضوع مدیریت آبراه‌های فرامرزی، نه تنها در برابر دجله و فرات بلکه نسبت به سایر رودهای فرامرزی که کشور ترکیه در آنها از وضعیت بالادستی برخوردار است، مانند رود ارس، می‌تواند امنیت آبی، زیست‌محیطی، سیاسی و بین‌المللی کشورهای منطقه را در خطر قرار دهد. همچنین دولت‌های پایین دست باید نهایت تلاش خود را به کار گیرند که یک نهاد همکاری آبی در حوضه دجله و فرات ایجاد شود تا همه کشورهای ذی‌نفع بتوانند به مدد کارشناسان فنی، سیاسی و حقوقی از منابع آبی موجود به روشی منصفانه و معقول بهره‌مند شوند. در این میان نقش کشور ایران که نسبت به سرشاخه‌های رود دجله بالادست محسوب می‌شود و به دلیل اهمیت مقابله با پدیده ریزگردها و حفظ تالاب هورالعظیم منافع مشترکی با دولت‌های پایین دست دارد، در دستیابی به یک توافقنامه مبتنی بر همکاری در این حوزه می‌تواند بسیار تأثیرگذار باشد.

نتیجه

پروژه گاپ ترکیه که مشتمل بر ایجاد سدها و نیروگاه‌های برق آبی متعدد بر روی دجله و فرات است، می‌تواند در آینده‌ای نه‌چندان دور، کانون ایجاد بحران‌های زیست‌محیطی در منطقه، از جمله کاهش حجم آب ورودی دجله و فرات به کشورهای عراق و سوریه، خشک شدن تالاب هورالعظیم و تشدید پدیده ریزگردها در کشور ایران باشد. اگرچه بر اساس گزارش‌های ارائه شده به نهادهای حقوق بشری، ارزیابی آثار زیست‌محیطی دقیقی در ابتدای ساخت این پروژه از سوی کشور ترکیه صورت نگرفته، اما اجرای این تعهد از دیدگاه حقوق بین‌الملل ضرورت داشته و ترکیه به این طریق، تعهد بین‌المللی خود را در قبال سایر کشورهای اطراف در این حوضه آبریز نقض نموده است. منشأ الزام‌آوری این تعهد نسبت به ترکیه را می‌توان علاوه بر عضویت این کشور در برخی کنوانسیون‌های زیست‌محیطی مرتبط مانند کنوانسیون تنوع زیستی ۱۹۹۲، با توجه به استدلال‌های دیوان بین‌المللی دادگستری در قضایای کارخانه‌های خمیر کاغذ (۲۰۱۰) و فعالیت‌های معین انجام شده از

سوی نیکاراگوئه در مناطق مرزی و ساخت جاده در طول رود سن‌خوان (۲۰۱۵)، در شناسایی این تعهد به‌عنوان تعهدی عرفی دانست. نظر به اینکه کشور ترکیه از آغاز شکل‌گیری این تعهد به آن اعتراضی نکرده و حتی در قواعد داخلی خود لزوم انجام ارزیابی آثار زیست‌محیطی را به‌طور مطلق، یعنی هم در داخل و هم در فعالیت‌های فرامرزی مورد پذیرش قرار داده، به اجرای این تعهد در مورد پروژه گاپ نیز ملزم است. همچنین تعهد به انجام ارزیابی آثار زیست‌محیطی را می‌توان به‌عنوان تعهدی وابسته به برخی از اصول کلی حقوقی شناخته‌شده در حقوق محیط زیست، مثل اصل احتیاط، پیشگیری، اصل تلاش معقول در حفظ محیط زیست و با اندکی تسامح، اصل توسعه پایدار مورد شناسایی قرار داد.

به این ترتیب، لازم است کشورهای دیگر این حوزه، یعنی عراق، سوریه و ایران، در برابر سدسازی‌های بی‌رویه کشور ترکیه اعلام موضع نموده، سعی در حل اختلاف خود در این زمینه از طریق دیپلماسی آبی و با بهره‌گیری از ابزارهای حقوق بین‌الملل نمایند.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

۱. اردو، سارا، «ساخت سد ایلیسو در ترکیه در تضاد حقوق بین‌الملل»، دیپلماسی ایرانی، ۱۳۹۶: <<http://irdiplomacy.ir/fa/news/1969520/>>
۲. اکبری، نرگس و علی مشهدی، «تهدیدها و تعهدات زیست‌محیطی دولت ترکیه در اجرای پروژه گاپ نسبت به آثار سوء زیست‌محیطی در ایران»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، ش ۶۱ (۱۳۹۸).
۳. بنی‌حیب، محمدابراهیم؛ نجفی مرغملکی، سجاد؛ و محمدرضا پورطبری، محسن، «بررسی عوامل بروز گرد و غبار در غرب و جنوب کشور با تمرکز بر دلایل خشک شدن تالاب هورالعظیم و ارائه راهکارهایی برای احیای آن»، ششمین کنفرانس ملی مدیریت منابع آب ایران با رویکرد: پیوند اکولوژیکی با چرخه آب برای پایداری سرزمین، دانشگاه کردستان (۱-۳ اردیبهشت ۱۳۹۵).
۴. سالاری، اسماء، «ارزیابی اثرات زیست‌محیطی فرامرزی در حقوق بین‌الملل»، *مطالعات حقوق عمومی*، ش ۵۰ (۴) (۱۳۹۹).
۵. سلطان قیس، فرید و حسین علیزاده، «احداث سد ایلیسو در ترکیه و مغایرت آن با تعهدات فرامرزی در قبال همسایگان وفق حقوق بین‌الملل»، *علوم و فنون مرزی*، ش ۸ (۴) (۱۳۹۶).
۶. قائم‌مقامی، علی، «بحران آب و آب‌های جاری فرامرزی ترکیه و امنیت ملی و محیط‌زیست ایران»، *فصلنامه مطالعات منافع ملی*، سال دوم، ش ۷ (۱۳۹۶).
۷. میان‌آبادی، حجت، «ملاحظات سیاسی و امنیتی و حقوقی در مدیریت رودخانه‌های فرامرزی»، *فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل*، ش ۱ (۹) (۱۳۹۲).

ب) انگلیسی

8. Advisory Opinion on Responsibilities and Obligations of States Sponsoring Persons and Entities with Respect to Activities in the Area, ITLOS Case No 17 ('Sponsoring States Advisory Opinion'), (2011).
9. ASEAN Agreement on the Conservation of Nature and Natural Resources, Kuala Lumpur, (1985).

10. Ayboga, Ercan, “Policy and Impacts of Dams in the Euphrates and Tigris Basin”, Paper for the Mesopotamia Water Forum Sulaymaniyah, Kurdistan Region of Iraq, (2019).
11. Bendel, J. and Harrison, J, “Determining the Legal Nature and Content of EIAs in International Environmental Law: What Does the ICJ Decision in the Joined Costa Rica v Nicaragua/Nicaragua v Costa Rica Cases Tell Us?”, *Questions of International Law*, 42 (2017).
12. Bilgen, Arda, “The Southeastern Anatolia Project (GAP) in Turkey: An Alternative Perspective on the major Rationales of GAP”, *Journal of Balkan and Near Eastern Studies*, 21(5) (2019).
13. Bremer, Nicolas C, “Transboundary Environmental Impact Assessment of Large Dams in the Euphrates–Tigris Region: An Analysis of International Law Binding Iran, Iraq, Syria and Turkey”, *RECIEL* 25 (1) (2016).
14. Convention on Biological Diversity, (1992).
15. Convention on Environmental Impact Assessment in a Transboundary Context, (1991).
16. Convention on the Law of Non- Navigational Uses of International Watercourses, (UN Watercourses Convention), (1997).
17. Convention on the protection and use of transboundary watercourses and international lakes, (1992).
18. Financial Tribune, “Imminent Danger of Turkish Dam for Iran, Iraq”, (2019):
<<https://financialtribune.com/articles/environment/76236/imminent-danger-of-turkish-dam-for-iran-iraq>>.
19. Gillespie, Alexander, “Environmental Impact Assessments in International Law”, *RECIEL*, 17 (2) (2008).
20. ICJ, Construction of a Road in Costa Rica along the San Juan River (Nicaragua v. Costa Rica); Certain Activities Carried Out by Nicaraguain the Border Area (Costa Rica v. Nicaragua), Judgment, (2015).

21. ICJ, Pulp Mills on the River Uruguay (Argentina/Uruguay), Judgment, (2010).
22. ICJ, The Situation in Accordance with Paragraph 63 of the Court's Judgment of 20 December 1974 in the Nuclear Tests, (1995).
23. ILC, Draft articles on Prevention of Transboundary Harm from Hazardous Activities, (2001).
24. International Law Association (ILA), Berlin Rules on Water Resources, (2004).
25. Lossow, Tobias von, "More than Infrastructures: Water Challenges in Iraq", Clingendael Policy Brief, 2018: <https://www.clingendael.org/sites/default/files/2018-07/PB_PSI_water_challenges_Iraq.pdf>.
26. Okowa, Phoebe. N, "Procedural Obligations in International Environmental Agreements", British Yearbook of International Law, 67(1) (1996).
27. PCA, Case Concerning the South China dispute between Philippine and China, (2016).
28. Protocol on Environmental Protection to the Antarctic Treaty, (1991).
29. Rio Declaration on Environment and Development, (1992).
30. Ruozi, Elisa, "The Obligation to Undertake an Environmental Assessment in the Jurisprudence of the ICJ: A Principle in Search for Autonomy", European Journal of Risk Regulation, 8 (2017).
31. Savaresi, Annalisa, "Environmental Impact Assessment after the International Court of Justice decision in Costa Rica-Nicaragua and Nicaragua-Costa Rica: Looking backward, looking forward", *QIL*, Zoom-in 42 (2017).
32. Shamout, Nouar, M. and Glada Lahn, "The Euphrates in Crisis Channels of Cooperation for a Threatened River", Research Paper, Chatham House, (2015): <https://www.chathamhouse.org/sites/default/files/field/field_document/20150413Euphrates_0.pdf>.
33. Treaty of Friendship and Good Neighborly Relations between Turkey and Iraq, (1946).

34. UNECE Protocol on Strategic Environmental Assessment to the Convention on Environmental Impact Assessment in a Transboundary Context, (2003).
35. UNEP, “UNEP Goals and Principles of Environmental Impact Assessment”, (1987).
36. UN-ESCWA, “Inventory of Shared Water Resources in Western Asia”, Chapter 1: Euphrates River Basin, (2013).
37. United Nations Framework Convention on Climate Change (UNFCCC), (1992).
38. Winton, R. Scott; Calamita, Elisa & Bernhard Wehrli, “Reviews and Syntheses: Dams, Water Quality and Tropical Reservoir Stratification”, Biogeosciences Discuss, (2019):
<https://www.researchgate.net/publication/330092286_Reviews_and_syntheses_Dams_water_quality_and_tropical_reservoir_stratification/link/5c2cf442299bf12be3a847df/download>.
39. Yang, Tesming, “The Emergence of the Environmental Impact Assessment Duty as a Global Legal Norm and General Principle of Law”, Hastings Law Journal, 75(525) (2019).

ج) فرانسوی

40. Al-Dbiyat Mohamed et Michel Mouton (éd.), *Stratégies d'acquisition de l'eau et société au Moyen-Orient depuis l'Antiquité*. (Beyrouth: Presses de l'Ifpo, 2009).
41. Bazin, Marcel et Stéphane de Tapia, “Le Projet de l'Anatolie du Sud-Est (GAP) dans son contexte national turc et régional moyen-oriental”, Bulletin de l'association de géographes français. Géographies, No. 92-2 (2015).
42. Bischoff, Damien, et Jean-François Pérouse, “La question des barrages et du GAP dans le Sud-Est anatolien: patrimoines en danger?”, Institut français d'études anatoliennes Georges Dumézil, (2003).
43. Clus, Owen, “Condenseurs radiatifs de la vapeur d'eau atmosphérique (rosée) comme source alternative d'eau douce”, Diss. (2007).

44. Dantin, Michel, "L'eau douce dans le monde. Comment gérer un bien commun? L'action de l'Europe", *Annales des Mines-Responsabilité et environnement*, N° 2(86) (2017).
45. Gabelle, François, "Le monde manquera-t-il bientôt d'eau?", *Science et changements planétaires/Sécheresse*, N° 6(1) (1995).
46. Mallet, Laurent, "Le Projet du sud-est anatolien (GAP): conflits autour d'un projet de développement", *Les conflits dans le monde*. Armand Colin, Chapitre 16, (2011).
47. Mazzucchi, Valeria Maria, "Le droit international des cours d'eau et les effets des grands barrages dans le Sud-Est anatolien", *Le Tigre, l'Euphrate et le barrage Ilisu*". Diss. University of Geneva, (2015).
48. Picard, Elizabeth, "Les problèmes de l'eau au Moyen-Orient: désinformation, crise de gestion et instrumentalisation politique", *Maghreb, Machrek, Monde arabe*, No. 138 (1992).